

## بررسی مقایسه‌ای بازتاب‌های اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و اسلام سلفی-تکفیری وهابیت بر صلح و امنیت بین‌المللی

سعید ساکی<sup>۱</sup>

ناصر پورحسن<sup>۲</sup>

سیده هاله مهدی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

امنیت از جمله مقوله‌های اساسی در تعاملات میان انسان‌هاست که بررسی آن موضوع تحقیقات بسیاری بوده است. کج‌روی ایدئولوژیک و رشد جریان‌های فکری انحرافی همواره از عوامل مهم در تضعیف امنیت در سطح ملی و بین‌المللی (سیستمی) بوده است. از جمله این جریان‌های انحرافی، تفکر وهابیت است که با ارائه قرائتی سلفی و تکفیرگرایانه از اسلام، همواره با حمایت از گروه‌های تندرو تروریستی نظیر القاعده و طالبان، بستر ساز ناامنی در جهان اسلام بوده و به عنوان عنصر نامطلوب امنیتی در سطح بین‌الملل شناخته می‌شود. در مقابل تفکر وهابیت، اسلام‌گرایی سیاسی امام خمینی(ره) قرار دارد که با تکیه بر مبانی اصیل اسلامی سعی دارد که نخست، نشان دهد آنچه که رسانه‌های معاند درباره اسلام در جهان منتشر می‌سازند، خلاف واقعیت است و دو اینکه، تفاوت میان اسلام حقیقی و جریان انحرافی سلفی‌گرایی وهابیت را روشن سازد و متعاقب آن با گسترش آموزه‌های اصیل اسلامی صلح را در جهان گسترش دهد. موضوع اصلی نوشتار حاضر، این است که اسلام‌گرایی سیاسی امام خمینی(ره) و قرائت وهابیت از اسلام، هر یک چه نقشی در افزایش یا کاهش امنیت در سطح بین‌المللی داشته‌اند. یافته‌های تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای نشان می‌دهند که قرائت سلفی-تکفیرگرایانه وهابیت از اسلام نه تنها کمکی به تأمین امنیت بین‌المللی نکرده، بلکه با تزریق تفکر انحرافی همچون جهاد ابتدایی در ذهن گروه‌های تروریستی، خوراک فکری لازم جهت اقدامات خصمانه این گروه‌ها را فراهم ساخته است. در مقابل اسلام‌گرایی سیاسی امام خمینی(ره) با آموزه‌هایی چون مبارزه با تروریسم، حقوق بشر، کرامت انسانی و ... همواره بستر ساز صلح میان دولت-ملت‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی، امام خمینی(ره)، ایران، عربستان، وهابیت، امنیت

saki.saeid@yahoo.com

saeidsaki1390@yahoo.com

df222nd@yahoo.com

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

<sup>۲</sup> دکترای مطالعات منطقه‌ای، عضو هیات علمی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)

<sup>۳</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

### مقدمه

بررسی صلح و امنیت، ابعاد آن و همچنین پرداختن به این امر که چگونه می‌توان یک صلح پایدار را در ابعاد مختلف پیاده‌سازی کرد، همواره از دغدغه‌های انسان بوده است، چرا که برای ایفای نقش در محیط آنارشیک و جهان منفعت‌محور امروز، صلح اصل اول و مبنای همه فعالیت‌های بشر است. تا صلح برقرار نشود و متعاقب آن امنیت به وجود نیاید، فرصتی برای گفت‌وگو و رشد بدست نخواهد آمد. صلح ضرورتاً به معنای عدم وجود جنگ نیست و ما صلح را نقطه مقابل جنگ نمی‌دانیم و اگر با این دیدگاه تقلیل‌گرایانه به مقوله صلح بنگریم، وجوه مختلف آن را نادیده گرفته و این پدیده را به نبود تخصم محدود می‌کنیم. به گفته «باروخ اسپینوزا»، صلح به معنی نبود جنگ نیست، بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه می‌گیرد و همان‌طور که آزادی به معنای زندانی نبودن نیست، صلح هم به معنای نبود جنگ نیست (فلسفی، ۱۳۹۰: ۸).

امروزه به تاسی از قانون طبیعی منافع محوری، واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه بین‌المللی در پی دستیابی به منافع خود، صلح را به عنوان ابزاری جهت کسب این منافع قرار می‌دهند. یعنی تا زمانی که واحدی منافع خود را از راهی آسان‌تر و کم هزینه‌تر از صلح‌سازی به دست آورد از زیر پا گذاشتن اصول صلح و آموزه‌های آن امتناع نخواهد کرد. از این رفتار واحدهای سیاسی ما در اینجا با عنوان «سوداگری سیاسی صلح» (Political speculation) یاد می‌کنیم، پدیده‌ای که روند صلح‌سازی جهانی را قدری با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین عناصر برهم زننده صلح و امنیت بین‌المللی در جهانی کنونی گروه‌های تروریستی هستند که عموماً ریشه در اندیشه‌های سلفیسم وهابیت عربستان دارند. تروریسم زمانی تنها در محیط علمی و در اسناد استراتژیک مطرح بود اما اخیراً در واژگان روزمره ما حضور داد (Giusto, 2016: 132). جریان وهابیت با انتساب خود به اسلام و قرآن، خطری جدی را متوجه دین و ارزش‌های اسلامی کرده، به گونه‌ای که گویی اسلام مظهر خشونت و جنگ است. این موضوع، شدیدترین تخریب تاریخی علیه اسلام را شکل داده و تمامیت امت اسلامی را تهدید کرده است. کفر یکی از واژه‌های پرکاربرد این نوع تروریسم است؛ به گونه‌ای که مخالفان خود از جمله مسلمانان ناهمسو را به کفر متهم می‌کنند و در راه

کشتن آنان قدم برمی‌دارند، به همین دلیل، به این نوع تروریسم، تروریسم تکفیری اطلاق می‌شود. این گفتمان تروریست‌پرور، انحصارطلبانه مدعی اسلامی است که همه چیز را جز خود، کافر می‌داند و روش تکفیری را مبنا قرار داده است. این روش برخلاف شیوه و اجماع همه علمای مذاهب اسلامی، عامه مسلمانان را به کوچک‌ترین و ساده‌ترین دلایل تکفیر کرده و جان، اموال، نوامیس و مقدسات مسلمانان را هدف خشونت خود قرار می‌دهد. تروریسم تکفیری در عصر کنونی، هم از نظر حوزه و گستره فعالیت و هم از نظر ویژگی‌های متمایز و فاجعه‌بار آن بی‌سابقه است. ریشه‌های نظری این تروریسم به نوشته‌های برخی اندیشمندان سلفی، به ویژه اندیشه‌های وهابیت باز می‌گردد (حاجیانی، ۱۳۹۳: ۲۴). اگر چه در نظر و دیدگاه، این نوع تروریسم از اندیشه‌های ابن تیمیه نشأت گرفته، اما از نظر شکل عملی می‌توان گفت، ریشه‌های این تروریسم تکفیری به موفقیت فرقه وهابیت در تشکیل حکومت آل سعود در شبه جزیره عربستان در اوایل قرن بیستم بر می‌گردد، که با کمک و پشتیبانی مؤثر انگلستان توانست امپراتوری عثمانی را وادار به خروج از شبه جزیره عربستان کند و در نهایت، منجر به فروپاشی این امپراتوری شود.

کشور عربستان براساس آموزه‌های گفتمان وهابیت، جهاد را امری مقدس می‌داند و پیروان این اندیشه، مطابق با آرا ابن تیمیه، قائل به جهاد عملی هستند؛ همین نکته، توجیه تئوریک مناسب را در اختیار پیروان این مکتب قرار می‌دهد تا بتوانند اقدامات تروریستی خود را در قالب جهاد «فی سبیل‌الله» و با هدف «قرب الی الله» تفسیر کنند. حضور عربستان و حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه، یمن، مصر، بحرین و غیره، سندی محکم در اثبات این ادعاست. در مقابل گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) قرار دارد که با تکیه بر مفاهیم و بنیان‌های اسلامی اصیل، دال‌هایی را در درون خود جای داده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به سمت صلح و در نتیجه تأمین امنیت بین‌الملل سوق می‌دهد. موضوع اصلی که انگیزه نگارش این نوشتار بوده، این است که گفتمان وهابیت در مقایسه با گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) چه سهمی از تأمین و یا تضعیف امنیت بین‌الملل را بر عهده دارد. در ادامه این تحقیق اشاره خواهد شد که عربستان سعودی با حمایت‌های مادی و معنوی از گروه‌های تروریستی نظیر داعش، القاعده و طالبان، یکی از مهم‌ترین کانون‌های ایجاد ناامنی در جهان محسوب می‌شود و تصویب قانون عدالت در برابر حامیان

تروریسم از سوی ایالات متحده در رابطه با اقدامات تروریستی عربستان در ۱۱ سپتامبر، از جمله اسناد تأیید این مدعاست. در سوی دیگر، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) با تکیه بر مفاهیمی چون صلح جهانی، حقوق بشر، حق حاکمیت واحدها و غیره، همواره به مقابله با عناصر برهم زننده امنیت و نظم بین‌الملل برخاسته است. در ادامه به واکاوی مهم‌ترین بازتاب‌های این دو گفتمان بر امنیت بین‌الملل می‌پردازیم.

### چارچوب نظری

بدون تردید برای شناخت بهتر پدیده‌ها و رخداد‌های عرصه بین‌الملل، استفاده از یک چارچوب نظری مناسب که به تجزیه و تحلیل مسائل مطرح در این عرصه کمک کند، بسیار ضروری است. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان نظریات را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱. نظریات رهایی بخش یا انقلابی (اسلام، فمینیسم، مارکسیسم و...)
۲. نظریات حل‌المسائلی یا رفورمیستی (رنالیسم و شاخه‌های آن، لیبرالیسم و...)
۳. نظریات تفسیری (سازه‌نگاری و... اینگونه نظریات تلاش می‌کنند تا تفسیر صحیح‌تری از تعاملات بین‌المللی ارائه کنند).

در خصوص تأثیرات گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و همچنین بازتاب‌های گفتمان وهابیت بر امنیت بین‌الملل، یک نظریه به تنهایی نمی‌تواند تبیین جامعی را به دست دهد، زیرا بررسی دال‌های مختلف هر یک از این گفتمان‌ها در قالب یک رویکرد فکری امکان‌پذیر نیست. با این حال، در این نوشتار برای درک بهتر مطلب، از میان تئوری‌های مطرح در عرصه علوم سیاسی از تئوری سازه‌نگاری استفاده می‌کنیم که می‌تواند تبیین تقریباً جامع‌تری نسبت به بقیه تئوری‌ها ارائه دهد.

به‌رغم آن که سازه‌نگاران طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند، اما غالب آنان به لحاظ هستی‌شناسی دیدگاه نزدیکی به هم دارند. مباحث هستی‌شناسی در محور دیدگاه سازه‌نگاران قرار دارد و می‌توان آن را بر حول سه محور خلاصه کرد: ۱. توجه به ساختارهای اجتماعی و هنجاری در کنار عوامل مادی ۲. معنا یافتن منابع مادی براساس این ساختارها و شکل دادن این ساختارها به هویت بازیگران. این ساختارهای اجتماعی با شکل دادن به هویت و منافع خاص، اعمال بازیگران را امکان‌پذیر می‌سازند. (Wendt

76:1995)؛ ۳. تعامل متقابل ساختار و کارگزار. این امر موجب ایجاد ساختارهای اجتماعی می‌شود که بر اساس آن هویت و منافع تعریف می‌شود.

در این میان، یکی از مباحث محوری سازه‌انگاران هویت است. به اعتقاد «ونت»، هویت ویژگی خاص کنشگران هدفمند است، که باعث تمایلات انگیزشی و رفتاری آنهاست. هویت ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. به هنگام بحث از هویت، دو انگاره باید مورد توجه قرار گیرد؛ انگاره «خود» و انگاره «دیگری». ساختارها و انگاره‌های درونی و بیرونی هر دو سازنده هویت‌ها هستند (Wendet, 1992: 398).

هویت‌ها بیان می‌کنند، بازیگران چه کسانی هستند و بر این اساس چه منافع دارند؟ هویت مرکز فهم رفتار دولت‌هاست. هویت‌ها با برداشت خاص از «خود» و «دیگری» موجب شناخت یکدیگر به عنوان دشمن، رقیب یا دوست است. این هویت‌ها خود از هنجارها ساخته می‌شوند. به اعتقاد سازه‌انگاران هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی با روابط نهادینه شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به طور دائم «خود» و «دیگری» را باز تعریف می‌کنند. بر این اساس، برداشت از یکدیگر به عنوان «دشمن» می‌تواند به «رقیب» یا «دوست» تغییر یابد. تغییر هویت، تحولی اجتماعی است و آنچه موجب این تغییر می‌شود، تحول در ساختار فکری و معنایی است. چنانکه بوزان در بهره‌گیری از عوامل اجتماعی، نظریه سازه‌انگاری را مبنای بحث قرار می‌دهد (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۱-۹۲).

«الکساندر ونت»، به عنوان چهره شاخص در سازه‌انگاری، بیشتر نقش فرهنگ را در تعاملات بین واحدها برجسته می‌بیند. به اعتقاد وی، فرهنگ ناشی از ایده‌های جمعی است و در حقیقت این ایده‌ها هستند که رویکرد سیاست خارجی را به وجود می‌آورند، ساختارها و کارگزاران متقابلاً بر هم تاثیر گذاشته و با یکدیگر در حال تعامل هستند. ایده جمعی مدنظر «ونت»، در واقع همان ایدئولوژی کلان یک واحد سیاسی است که بسیاری از سیاست‌های یک کشور، اعم از علیا و سفلی، از آن ناشی می‌شود. با قدری تسامح می‌توان این ایده کلان را به گفتمان غالب در هر عصر تعمیم داد که منشأ بسیاری از تحولات محسوب می‌شود. بنابراین در این تحقیق، نگارندگان با استفاده از همین رویکرد، یعنی رویکرد سازه‌انگاری با شیوه‌ای تطبیقی، به بررسی تأثیرات گفتمان اسلام سیاسی امام

خمینی(ره) و گفتمان وهابیت سعودی بر تأمین یا تضعیف صلح و امنیت بین‌الملل می‌پردازند.

### بازشناسی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره)

رهبران بزرگ در ذیل گفتمان مورد نظر خود، نظریه‌ها و گزاره‌های بنیادین اندیشه خود را مطرح و سپس آن را ترویج می‌کنند. بنابراین کاوش در گفتمان رهبران بزرگ، یکی از شیوه‌های راهگشا برای فهم و تحلیل آرا و اندیشه‌های آنها در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردد. تحلیل گفتمان، به دلیل تفاوت‌های بنیادی با شیوه‌های کلاسیک پوزیتیویستی در نگرش به مسائل اجتماعی و سیاسی، کارآمدتر است. گفتمان مجموعه‌ای از احکام، گزاره‌ها و نشانه‌هاست که سازنده یک نظام معنایی متمایز است. این نشانه‌ها یا احکام به‌طور منتظم (که منعکس‌کننده نظم گفتمانی هستند) به یکدیگر متصل می‌شوند و نظام معنایی کلان آن گفتمان را از دیگر گفتمان‌ها متمایز می‌کنند. مؤلفه اصلی در هر مفصل‌بندی گفتمانی، دال مرکزی است. دال مرکزی عبارت است از نشانگان مرکزی یک گفتمان که همانند یک میدان مغناطیسی، دیگر مفاهیم و نشانه‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد(بهر روز لک، ۱۳۸۴:۱۱).

در هر گفتمان، دلالت‌کننده‌هایی وجود دارند که شناورند و دال‌هایی وجود دارند که برای آن گفتمان جنبه محوری دارند؛ در واقع در روش گفتمانی باید دال‌هایی را با نام دال‌های مرکزی یا محوری جستجو کرد که در مفصل‌بندی گفتمانی، مفاهیم و اجزای دیگر را کنار هم نگاه می‌دارد و به آنها وحدت می‌بخشد. دال برتر، مفهوم کلیدی و هویت‌بخش در هر گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایه آن منتظم و با هم مفصل‌بندی می‌شوند(فتحی، ۱۳۹۳:۷۴). در گفتمان امام خمینی(ره) اسلام دال برتر است. اسلام به عنوان دال مرکزی گفتمان امام خمینی(ره) در مفصل‌بندی گفتمان ایشان، دیگر عناصر را در کنار هم نگاه می‌دارد و عناصر دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند(سعید، ۱۳۹۰:۲۱). پیش از تحلیل اسلام در گفتمان امام خمینی(ره) باید به شرح این موضوع پرداخت که اسلام مورد نظر وی چیست؟ او چه قرائتی از اسلام داشته است و مشخصه‌های اسلام به عنوان دال مرکزی گفتمان امام خمینی(ره) چیست؟

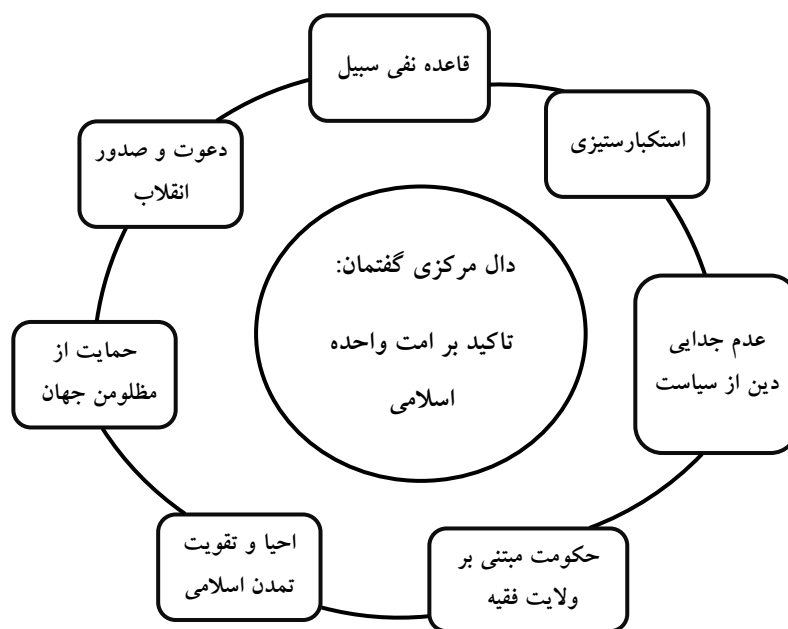
با نگاهی به آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره)، به رویکرد انتقادی او نسبت به واقعیت‌های موجود در جهان اسلام پی می‌بریم. ایشان با نگاهی انقلابی در پی از بین بردن وضعیت موجود و گذار به وضع مطلوب، که همانا در نظر ایشان ایجاد جامعه اسلامی بر پایه اصول اساسی اسلام یعنی تشکیل حکومت، جاری ساختن قوانین الهی در جامعه، فراهم کردن آزادی‌های مشروع نظیر حق تعیین سرنوشت و احقاق حقوق اولیه افراد است.

امام خمینی(ره) با طرح واژه «امت اسلامی» در کنار واژه «دولت اسلامی» از همان ابتدا ماهیت فرامرزی انقلاب اسلامی ایران را مشخص کردند. در این نظریه، امت اسلامی صرفاً محدود به کشور و دولت ایران نبوده و تمامی کشورهای مسلمان به عنوان برادران دینی، عضوی از این امت محسوب می‌شوند(فتحی، ۱۳۹۳: ۷۳). بنابراین انقلاب اسلامی، مطابق آموزه‌های اولیه خود، میل به گسترش و صدور دارد. پدیده‌ای که از آن با عنوان صدور انقلاب برای بیداری امت اسلامی یاد می‌شود. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره)، مفهوم اسلام سیاسی مبارز را نه با عنوان اسلامی ستیزه‌جو، بلکه در چارچوب اصلی اساسی‌تر به نام جهاد تبیین می‌کند و هدف از جهاد، همانا تأمین صلح و امنیت جهانی است. همین مفهوم در اندیشه امام خمینی(ره) و در بعدی وسیع‌تر در اندیشه شیعی موجب تحرکات و جنبش‌های عمیقی در جهان اسلام جهت تثبیت صلح و امنیت از طریق ایجاد حکومت‌های مردمی گردید، که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

صدور انقلاب و تأثیرگذاری آن بر محیط بیرونی بخشی از رسالت انقلاب‌ها و پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است. گستره و دامنه هر انقلابی به شعاع اهداف، دیدگاه‌های انقلابیون و ایدئولوژی آن بستگی دارد. آنچه که موجب تمایز صدور انقلاب اسلامی از سایر انقلاب‌هاست، ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر بودن صدور آن است. از نظر امام خمینی(ره)، انقلاب ایران منحصر به ایران نبوده و متعلق به همه مسلمانان است و دفاع از مسلمانان تحت ستم در سراسر جهان و تأمین امنیت جهانی یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب ایران است(صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۴). از نظر ایشان صدور انقلاب یک وظیفه انقلابی و یک تکلیف در راستای احساس حاکمیت اسلام و احکام تعالی‌بخش آن است و به هیچ عنوان، هجوم نظامی و لشکرکشی به دیگر کشورهای مسلمان نیست(صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۲۱).

«این که می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. می‌خواهیم این چیز که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابر قدرت‌ها فاصله گرفتند، در ملت‌ها و همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۲۷).

گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) متأثر از ابعاد مختلف اندیشه‌های ایشان در حوزه‌های عرفانی، فقهی، فلسفی و کلامی است که توانست بین مذهب و سیاست پیوند دوباره‌ای برقرار سازد و با احیای جایگاه معنویت و دین‌گرایی، رابطه تخریب‌شده «دین و دنیا» و «عقل و دین» را بازسازی و اصلاح کند (غفاری هشجین، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۵). گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) مانند سایر گفتمان‌ها متشکل از یک دال مرکزی و دال‌های شناوری پیرامون دال مرکزی است. این دال‌ها در قالب «شکل ۱» نشان داده می‌شوند:



شکل ۱: مهم‌ترین دال‌های موجود در گفتمان سیاسی امام خمینی(ره)



### واکوی مبانی اندیشه‌ای ایدئولوژی وهابیت به مثابه گفتمان

اهل سنت به چهار شاخه اصلی حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی تقسیم می‌شوند که به مرور زمان برخی از این شاخه‌ها به ده‌ها زیرشاخه تقسیم شده و هر کدام برای خود به مسلکی جداگانه با عقایدی خاص تبدیل شدند. وهابیت و سلفی‌گری نیز یکی از فرقه‌هایی است که خود را منتسب به حنبلی‌ها می‌داند؛ بدین معنی که وهابیت بسیاری از اعتقادات خود را از آرا و عقاید احمد بن حنبل، مؤسس و بانی مکتب حنبلی و از رهبران فکری اصحاب حدیث که مورد حمایت کامل خلفای عباسی (از متوکل به بعد) بوده، گرفته است. با وجود این، بسیاری از علمای حنبلی، وهابیت را فرقه‌ای جدا از خود قلمداد کرده و خود را از نزدیکی به آن مبرا کرده‌اند. وهابیت یا سلفی‌گری با ظهور مذهب اشعریه، که در واقع تعدیل‌کننده روش افراطی معتزله در استفاده از عقل و روش تفریطی اهل حدیث در سرکوب عقل بود، در اوایل سده چهارم هجری از رونق افتاد، ولی به طور کلی منسوخ نشد. این مذهب بار دیگر در قرن هشتم هجری با تبلیغ ابن تیمیه حرّانی دمشقی (۷۲۸ - ۶۶۱ هـ.ق) احیا و گسترش یافت.

به‌رغم این واقعیت، وهابیت امروزی عربستان ریشه در تلاش‌های محمدابن عبدالوهاب نجدی (۱۱۱۵ هـ.ق) دارد. عبدالوهاب از طریق کاوش در اندیشه‌های ابن تیمیه توانست این اندیشه‌ها را در قالب «مذهب جدیدی» بنام وهابیت در قرن دوازدهم هجری قمری ایجاد کند که با تمام مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب شیعه تفاوت داشت. به لحاظ مبانی فکری و اندیشه‌ای، مذهب وهابیت دارای شاخصه‌هایی است که به علت تعارض با چارچوب‌ها، اندیشه فکری و ایدئولوژی شیعه، نه تنها بر تنظیم سیاست‌های ضدشیعی عربستان سعودی مؤثر است، بلکه در موضع‌گیری‌های کلی و پوشش‌های منطقه‌ای آن کشور نیز تأثیر به‌سزایی دارد. در حقیقت اگر ایدئولوژی وهابیت را به مثابه یگ گفتمان در نظر بگیریم، مهم‌ترین دال‌های آن (با محوریت دال شیعه‌ستیزی)، به صورت زیر خواهند بود:

**الف) رد عقل‌گرایی:** وهابیون اظهار می‌کنند که «عقاید اسلامی باید به همان نحوی بیان شوند که در دوران صحابه و تابعین گفته می‌شد. عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه که قرآن می‌گوید، پردازند. طرفداران این آیین، مخالف شدید هرگونه نوآوری و توسل به عقل، فلسفه، اجتهاد، تفسیر قرآن، تصوف و

عرفان بوده و آنها را نوعی بدعت به حساب می‌آورند(منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۹). در حقیقت، آنها در فهم آیات و روایات دچار ظاهرگرایی شده، به طوری که هرگز به تأویل و تفسیر نمی‌پردازند و استفاده از شیوه‌های عقلی را در اسلام از امور جدید می‌پندارند(اسد علی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶)، در حالی که در مقابل، شیعیان علاوه بر رد فهم ظاهری از آیات و روایات، به عقل، فلسفه و اجتهاد توسل جسته و با هدف روشنگری و همچنین انطباق آیات قرآنی با مقتضیات زمانی به تفسیر آنها همت می‌گمارند.

**ب) تعصب شدید مذهبی و رد توسل جویی:** اسلام وهابی بر تعصب شدید مذهبی و عدم تسامح و سخت‌گیری در امور دینی مبتنی است. همچنین، وهابیون درخواست شفاعت، استغاثه، توسل و نذر را برای غیر خدا جایز نمی‌دانند و آن را بدعت در دین قلمداد می‌نمایند. بر همین اساس، مسلمانانی را که به این گونه اعمال دست می‌زنند «کافر و مشرک» بر می‌شمرند. بر مبنای این مؤلفه، از منظر وهابیون شیعیان در زمره کافران به شمار می‌آیند. آنها همچنین اعتقاد به جسمیت خداوند دارند و برای خداوند اعضاء قائل هستند. موضوعی که در اندیشه‌های شیعی هیچ جایگاهی ندارد و امری قبیح به حساب می‌آید.

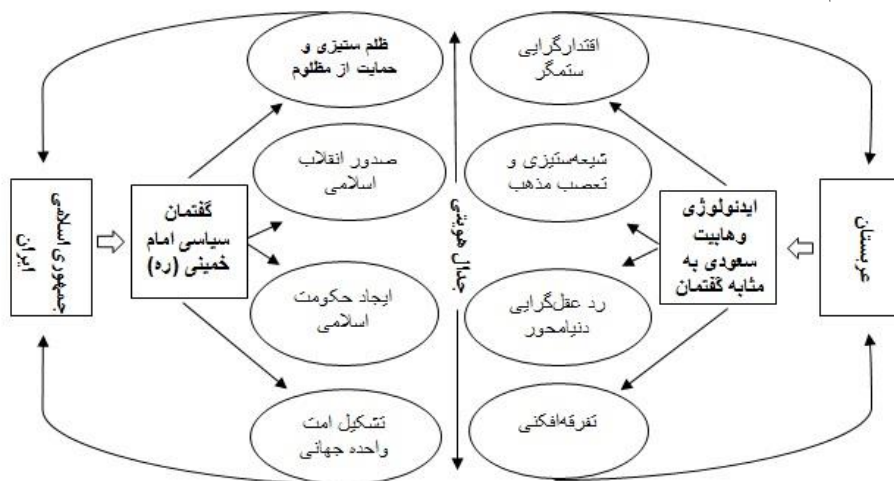
**ج) جهاد با کافران و بدعت‌گرایان:** تکفیرگرایی و جهاد با کافران و بدعت‌گرایان از مؤلفه‌های مهم تفکرات وهابیت و سلفی‌گری است که ابن تیمیه در ابتدای دعوت خویش آن را پردازش کرد. از نظر وی: «هر چیزی که در زمان پیامبر و سلف صالح نبوده، (به ویژه بسیاری از اعمال عبادی شیعیان) بدعت است؛ مانند سجاده پهن کردن برای نماز، دعای مشترک امام و مأموم بعد از نماز(اعمالی که شیعیان انجام می‌دهند) و غیره. بنابراین برای محو آنها باید شمشیر به دست گرفت»(منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۹۰). بدین ترتیب، ابن تیمیه جهاد را جز ارکان دین قرار داد و آن را حتی برتر از حج، نماز و روزه بر شمرد. «محمد بن عبد الوهاب» نیز به تبعیت از ابن تیمیه، «جهاد را امری ضروری تلقی می‌کرد، به طوری که در پیمان اول خود با محمد بن سعود در سال ۱۷۴۴ از وی سوگند می‌گیرد که برای نشر تفکرات سلفی به جهاد بر خیزد(Rasheed, 2002: 17). وی مردم را به توحیدی که خود قبول داشت دعوت می‌کرد و «هر کسی می‌پذیرفت خون و مالش سالم می‌ماند، وگرنه خون و مالش مانند کافران حربی حلال و مباح بود»(سبحانی، ۱۳۶۶: ۲۸). موضوع تکفیرکردن مسلمانان شیعه و سنی و مقابله با آنها به دلیل نفی اعتقادات وهابیون، خود

بیان‌گر نگاه متعصب، غیرمتساهلانه و حذفی پیروان این آیین است. امروزه اهمیت هنجار جهاد در آیین مذهبی عربستان سعودی تا بدان حد است که در پرچم آن کشور نیز هویداست. شمشیری که به شکل افقی در قسمت پایین پرچم ترسیم شده، نمادی از جنگ مقدس است که پایه تشکیل حکومت سعودی است. بنابراین در آیین مذهبی این کشور جهاد یکی از تکالیف پنج‌گانه مسلمانان است (Wynbrandt, 2004: 184). اصل تکفیر هرچند نقطه ضعف وهابی‌هاست، اما آنان این اصل را به عنوان منشأ مشروعیت خود انتخاب و از آن در جهت غلبه بر شیعیان استفاده می‌کنند (حق‌شناس کمیاب، ۱۳۸۹).

د) **شیعه‌ستیزی:** مذهب وهابیت از منظر پارادایم نظری و ایدئولوژیکی بیشترین فاصله را با مذهب شیعه نسبت با سایر مذاهب دارد. در همین ارتباط، «آنگلو گودویلا»، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه بوستون می‌گوید که بخش بزرگی از اجحاف‌های اعمال شده بر شیعیان، ریشه در جهان‌بینی وهابی‌ها دارد که به طور معمول به اختلافات درون دینی حساسیت بیشتری دارند (همان). این موضوع به این امر منتج شده تا خصومت بی‌حد و حصر با شیعیان در هر دو عرصه نظر و عمل به یکی از ایستارهای مهم این مذهب تبدیل شود. به لحاظ نظری، کتب متعددی علیه شیعیان به رشته تحریر درآمده که از آن جمله می‌توان به کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقض الکلام الشیعه القدریه» ابن تیمیه اشاره کرد. در این کتاب وی «شیعه را یک جریان سیاسی مرتبط با یهود و دشمن اسلام معرفی می‌کند» (ناظمی قره‌باغ، ۱۳۹۰: ۶۲).

ه) **تفرقه‌افکنی بین مسلمانان:** از اهداف استعماری ایجاد فرقه وهابیت تفرقه‌افکنی میان مسلمانان بوده است. در همین زمینه، مرکز پژوهش‌های اسلامی الغدیر بیان می‌کند که وهابیت دارای دو ریشه اصلی «آشکار و پنهان» است. ریشه آشکار آن همان ادعای توحید کامل و خالص برای خدا و جنگ در مقابل شرک و بت‌پرستی است، اما ریشه پنهان این مذهب، تفرقه‌افکنی در میان مسلمانان و ایجاد آشوب و جنگ و نهایتاً خدمت به استعمارگران غربی است (صائب، ۱۳۸۵: ۱۱). با عنایت به این پیشینه تاریخی، شعار «اخلاص، توحید و مبارزه با شرک»، تنها شعار پر جاذبه‌ای است که پیروان وهابیت در زیر چتر آن قرار می‌گیرند، در حالی که این امر، تنها وسیله‌ای برای تحقق یافتن سیاست‌های دول غربی در منطقه است. در مجموع، می‌توان گفت که شیعیان و سایر مسلمانانی هستند که آرا

و مبانی اندیشه‌ای وهابیت و سلفی‌گری و عقاید این فرقه انحرافی از اسلام را قبول نداشته و از آن تبعیت نمی‌کنند. در این میان، مبارزه با شیعیان در اولویت سیاست‌های وهابیت قرار داشته، که تا حد قابل ملاحظه‌ای بر رفتارهای سیاست خارجی عربستان تأثیر می‌گذارد. پس از شناخت مهم‌ترین دال‌های هر دو گفتمان به مقایسه تطبیقی آنها در قالب «شکل ۲» می‌پردازیم.



شکل ۲: جدال هویتی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) با ایدئولوژی وهابیت(به مثابه گفتمان) تنظیم: نگارندگان، با تلخیص از امیری(۱۳۹۴)

### هویت وهابی عربستان چالش برای امنیت بین‌الملل

وهابیت عربستان به عنوان منشأ شکل‌گیری و تقویت بسیاری از گروه‌های بنیادگرا، سلفی-تکفیری و تروریستی در منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق، به عنوان ایدئولوژی مسمومی عمل کرده، که امنیت بین‌المللی را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. وهابیون اصرار بر کاربرد مستقیم روش‌ها و ایده‌هایی دارند که به‌طور مستقیم در حدیث آمده است و هر چیزی به معنای واقعی کلمه در قرآن آمده، و در آن گزارش از حدیث-اقدامات و اظهارات حضرت محمد(ص)- وجود دارد از نظر سلفی «معتبر» است (Qadhi, 2014:111). وهابیت با تأکید بر عنصر «جهاد» و با ارائه تفسیری ارتجاعی، نص‌محورانه و رادیکال از این

مفهوم، افق صلحی پایدار در نظام بین‌الملل را با تردید همراه ساخته است. در واقع وهابیت با تربیت و حمایت گروه‌هایی تروریستی به عنوان بازوی اجرایی مقوله جهاد در این ایدئولوژی، بسترهای ناامنی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم کرده است. در ادامه نمونه‌هایی از گروه‌هایی پرورش یافته از سوی وهابیت عربستان آورده می‌شود.

### طالبان

طالبان از ریشه «طالب» گرفته شده است. در واقع «طالبان»، گروهی از طلبه‌های مخالف با دولت افغانستان بودند که به واسطه مخالفت با سیاست‌های دولت افغانستان در سال‌های (۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲) در افغانستان رشد کردند. از لحاظ فکری و عقیدتی خاستگاه این گروه شبه‌نظامی را باید در مکاتب حنفی و وهابی جست‌وجو کرد. طالبان در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط «ملا محمد عمر» در قسمت جنوبی افغانستان در شهر «قندهار» تأسیس شد و از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۱ بخش اعظمی از کشور افغانستان را تحت سیطره خود داشت. بن‌مایه و شالوده اصلی این جریان تروریستی از سه گروه اصلی تشکیل می‌یابد: گروه نخست، همان سلفی‌ها هستند که گاهی به آنها وهابی نیز می‌گویند، اما خودشان ترجیح می‌دهند سلفی نامیده شوند. گروه دوم، مولوی‌های تندرو هستند، کسانی که با خط‌دهی تشکیلاتی و ایدئولوژیکی، مؤسسان طالبان به این گروه پیوند خورده‌اند، این گروه در سراسر افغانستان در حلقه فکری با طالبان، شبکه ارتباطی زیادی دارند. گروه سوم، صوفی‌ها هستند. هرچند آنها در روزهای مبارزه علیه شوروی زیر پرچم حمایت جبهه ضد کمونیسم فعال بودند، اما امروزه نقش کمتری ایفا می‌کنند. دلیل این امر نیز بسته‌شدن مدارس آنها در افغانستان و مهاجرت دسته جمعی آنها به پاکستان در بیست سال گذشته است (جوادی ارجمند، ۱۳۸۷: ۴۵).

اصلی‌ترین حلقه تشکیل‌دهنده طالبان، همان گروه نخست یعنی سلفی‌ها یا وهابی‌ها هستند. این حلقه با خط‌گیری از دولت عربستان در نقاط مختلف پراکنده شده‌اند. رایزنی‌های عربستان سعودی با هماهنگی ارتش پاکستان، به ویژه سرویس امنیتی «آی اس آی» و با محوریت سیا (CIA) و حمایت مالی امارات متحده عربی، در سال ۱۹۹۴ گرد هم جمع شدند و مذاکراتی برای ایجاد تشکلی قوی به رهبری ملا عمر برای حضور در صحنه سیاسی

و نظامی افغانستان آغاز کرده و هیأت حاکمه آمریکا از طریق سیا(CIA) برای ایجاد و تقویت طالبان به تقسیم کار میان متحدان استراتژیک خود در منطقه پرداخت. مسئولیت سازماندهی و حمایت تسلیحاتی و تقویت بنیه نظامی طالبان به دولت پاکستان سپرده شد و مسئولیت تدارکات مالی و تأمین هزینه‌های اقتصادی طالبان به کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی واگذار شد(سجادی، ۱۳۸۰:۲۱).

در واقع تفکر طالبانیسم را می‌توان شیوه به روز شده جریان فکری ابن تیمیه و پیروان آن دانست که به راحتی حکم به قتل مخالفین می‌دهند، از نظر آنها جنگ با مسلمانان غیر سلفی به خصوص شیعیان واجب است، قتل این گروه‌ها از نظر طالبان مباح و اموال آنان باید غارت شود. کشته شدن صدها نفر شیعه که به مناسبت‌های مختلف قربانی این تفکرات می‌شوند نمونه‌ای از اقدامات این گروه تندرو است که بازتاب این عقاید و اعمال نیز «اسلام=خشونت» را تبلیغ کرده است(رجاء، ۱۳۸۷:۳۱۱).

بنابراین حمایت عربستان از گروه تروریستی طالبان، هزینه‌های امنیتی سنگینی بر کشورهای منطقه و فرامنطقه تحمیل کرده است. هزینه‌هایی نظیر حمله به مدرسه پیشاور در سال ۲۰۱۴، کشتار مردم هزاره افغانستان و کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف، تنها بخش کوچکی از این هزینه‌ها محسوب می‌شوند.

#### القاعده

«القاعده»، نام تشکیلات بین‌المللی بنیادگرای متشکل از شبکه‌های تروریستی است که همگی در راستای کاهش دادن تأثیرات و دخالت غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و در جهت گسترش یافتن اسلام در جهان مبارزه می‌کنند. اکثر اعضای شبکه القاعده پیرو مسلک سلفی هستند و رهبر آن «اسامه بن لادن» بود. «بن لادن» نیز با تأثیرپذیری از اندیشمندان سلفی، اولین وظیفه اصلی مسلمانان را بعد از ایمان، جهاد می‌دانست. او جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین می‌داند و آن را جنگ مقدسی می‌شمارد که مشروعیت دارد(شفیعی و مهرور، ۱۳۹۱:۱۵۲). رهبران القاعده جهاد را از نماز، روزه و حج مهم‌تر می‌دانند و معتقدند که مسلمانانی که در عمل و نظر به جهاد نپرداخته، اسلام را درک نکرده‌اند، حتی ایمن الظواهری در این باره در مقام فتوا اعلام کرده است: «جوانان مسلمان

نباید منتظر اجازه گرفتن از کسی باشند، زیرا جهاد با آمریکایی‌ها، یهودی‌ها و متحدانشان یعنی منافقان مرتد واجب عینی است (Knowlth, 2008: 44-45). همچنین ابوبکر بشیر، رهبر سازمان جماعت اسلامی اندونزی و بخشی از شبکه بین‌المللی القاعده، می‌گوید: «شهادت در راه جهاد فریضه ایست بنیادی و پذیرش دیگر اصول دین منوط به اجرا و پذیرش اصل جهاد و شهادت است» (Atran, 2006: 139). در حقیقت این تفسیر از اسلام، اظهار ایمان به خدا و پیامبر را با جهاد برابر می‌داند. مطابق ایدئولوژی القاعده، مرز میان انسان‌ها را، اعتقاد یا عدم اعتقاد به اندیشه این گروه مشخص می‌کند و کسانی که از این مکتب پیروی نکنند تحت عنوان کافر، مشرک و منافق نامیده می‌شوند. بر این اساس همفکران ایدئولوژیک «دوست» و کسانی که اندیشه دیگر دارند، «دشمن» تلقی می‌شوند. بن لادن، نماینده این جریان بنیادگراست (شفیعی و مهرور، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

اشغال عراق از سوی آمریکا در آوریل ۲۰۰۳، فصل تازه‌ایی در تاریخ فعالیت گروه‌های سلفی در عراق گشود که از لحاظ گستردگی و اثرگذاری، قابل مقایسه با دوره‌های پیش از آن نبود و این فرصت را برای سلفی‌های بیرونی فراهم آورد که خود را در صف پیشتاز شورشی‌های عراق قرار دهند. هر چند بخشی از این گروه‌ها، سلفی‌های بومی بودند اما جدا کردن آنها از سلفی‌های بیرونی بسیار دشوار است؛ به ویژه که نابسامانی‌های ساختاری عراق اثر به‌سزایی در پیچیدگی تحولات آن بازی می‌کند. در این میان، عراق رفته رفته به کانون اصلی رشد سلفی‌های تندرو و سرانجام به جبهه مرکزی القاعده به رهبری ابومصعب زرقاوی (۲۰۰۶-۱۹۶۶) تبدیل شد (عمادی، ۱۳۹۴: ۷۰). ایدئولوژی القاعده بر چهار رکن سلفی‌گری، افراط‌گری، شیعه‌ستیزی و غرب‌ستیزی استوار است، بنابراین شباهت بسیاری به اصول و مفروضه‌های اصلی وهابیت در عربستان دارد و از آنجا که دو رکن آخر برآمده از ویژگی‌های سلفی‌گری است به اختصار می‌توان آن را ایدئولوژی سلفی رادیکال نامید. هدف نهایی القاعده دستیابی به حکومت جهانی است که ریشه در سلفی‌گری و وهابیت دارد و راهکار القاعده در این است که ابتدا کشورهای اسلامی با مرکزیت عراق فتح شوند سپس با تشکیل سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام) جنگ‌هایی به منظور برپایی حکومت جهانی اسلامی با کافران آغاز گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۷).

بنابراین عربستان به عنوان مهم‌ترین حامی این جریان تروریستی، علاوه بر تأمین منابع مالی این گروه، به عنوان هسته اصلی تشکیل آن محسوب می‌شود. کمک‌های تسلیحاتی عربستان در کنار حمایت‌های رسانه‌ای نقش به‌سزایی در قدرت‌یابی هر چه بیشتر این گروه داشته است. علاوه بر آن، القاعده به عنوان فرزند خلف وهابیت، به رهبری کشور عربستان و تکیه بر مفاهیم افراطی بنیادگرا و همچنین دعوت به جهاد عملی، در مرحله اول مروج توسعه و گسترش تروریسم و در مرحله دوم موجب توسعه نامنی در سطح بین‌المللی بوده است.

### داعش

ابتدای ظهور دولت اسلامی عراق و شام(داعش)، به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد که ابومصعب الزرقاوی شبکه‌ایی را به نام جماعت توحید و جهاد تأسیس و رهبری آن را برعهده گرفت و با شبکه القاعده به رهبری اسامه بن لادن بیعت کرد. الزرقاوی پس از آن به عنوان نماینده شبکه القاعده در منطقه موسوم به شبکه «القاعده در بلاد الرافدین» مطرح شد، تا اینکه الزرقاوی در سال ۲۰۰۶ در اظهاراتی به صورت مصور از تشکیل شورای مجاهدین به سرکردگی عبدالله رشید البغدادی خبر داد و در پایان همین سال گروه داعش به ریاست ابوعمر البغدادی تشکیل شد(کریمی، ۲۰۱۳:۲۰). داعشیان با ایمن الظواهری بیعت کردند و با جبهه‌النصره هم پیمان شدند، اما در سال ۲۰۱۴ از النصره جدا و سپس از القاعده نیز دور شدند. داعش در اگوست ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد. داعش و القاعده هر دو با آمریکا، غرب، تشیع و چهار مکتب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی اهل سنت مخالفند(عمادی، ۲۰۱۳:۶۹). داعش در حال حاضر تنها گروه سلفی است که به تلافی شکست‌های خود و به بهانه حمایت‌ها و حضور گروه‌های مقاومت لبنانی و عراقی در سوریه، دست به اقدامات تلافی‌جویانه زده است(Allen, 2016:7). اما آنچه که مهم است اینکه انجام اقدامات تروریستی گسترده در اماکن تحت کنترل نیروهای امنیتی نمی‌تواند به تنهایی توسط یک گروه سلفی بدون حمایت و پشتیبانی اطلاعاتی و مالی یک نهاد قوی صورت گرفته باشد. با مروری بر تاریخچه شکل‌گیری داعش در خواهیم یافت که نقش بندر بن سلطان، رئیس دستگاه اطلاعاتی-امنیتی عربستان سعودی در شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر این گروه بسیار زیاد بوده است. پایگاه خبری عراقی «برائا»، سندی را منتشر کرد که نشان می‌داد بندر بن



سلطان فرمانده جدید القاعده (داعش) در عراق را تعیین و عناصر آن را با سلاح و پول تجهیز کرده بود (رضا خواه، ۱۳۹۲: ۳).

عربستان سعودی که دارای ساختار قبیله‌ای است، با کمک اندیشه وهابیت به اقدامات سیاسی خود، رنگ و بوی دینی می‌دهد، تا بدترین نوع دیکتاتوری یعنی «دیکتاتوری دینی» را در جهان رقم بزند. این نوع نگاه، علاوه بر داخل به خارج نیز سرایت داده می‌شود و دیگر مذاهب اسلامی تکفیر شده و اقدامات خشن علیه آنها جایز شمرده می‌شود. آل سعود جهت بهره‌برداری از نفوذ و تأیید علمای وهابی با گره‌زدن حرکت موسوم به اصلاح دین به توسعه‌طلبی سیاسی - ارضی خود، داعیه اجرای منویات محمد بن عبدالوهاب در پیمان معروف به «دو محمد» را در سر دارد. از زمان تأسیس دولت سعودی، وهابیت اساس فرهنگ، آموزش و پرورش و نظام قضایی را شکل داده است. در نتیجه کم و بیش بر همه تمایلات و جهات اسلام‌گرایی سنی عربستان تأثیرگذار بوده است. وهابیون بر این اعتقادند که مسلمانان با فاصله گرفتن از سلف صالح، کافر و مرتد شده و باید جهت اصلاح آنها همان‌طور که پیامبر با کفار جنگید، جهاد کرد (قلخان‌باز، ۱۳۹۲: ۶۴). این موضوع همان نکته‌ای است که آل سعود با بهره‌گیری از گروه تروریستی داعش در راستای عمل به اندیشه‌های جریان انحرافی وهابیت در پی تحقق به آن هستند. اندیشه وهابیت آل سعود باعث گردیده که عملیات‌های تروریستی و انتحاری در ظاهر با هدف کمک به اسلام واقعی مد نظر ایشان رشد و نمو یابد و مبارزان وهابی با هدف «قرب الی الله» اقدامات خویش را انجام دهند. در جدول «شماره ۱» بخشی از اقدامات تروریستی عربستان در مناطق مختلف نشان داده شده است:

کشور	نوع اقدام
یمن	تجاوز عربستان سعودی به یمن تاکنون بیش از ۱۰ هزار غیر نظامی این کشور را قربانی کرده است. این تجاوز فاقد هرگونه مشروعیت قانونی بین‌المللی بوده است.
بحرین	مداخله نظامی آل سعود در بحرین باعث سرکوب جریان بیداری اسلامی در این کشور گردید و در نتیجه مداخلات عربستان در این کشور، بسیاری از فعالان سیاسی زیر شکنجه آل خلیفه جان باختند.
عراق	بیش از ۵ میلیون شهروند عراقی از زمان حمله آمریکا به این کشور تاکنون جان

	<p>باخته‌اند. بخش بزرگی از این قربانیان از سوی گروه‌های تروریستی نظیر داعش، که مورد حمایت مستقیم عربستان بوده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند.</p>
سوریه	<p>جنگ داخلی سوریه، نتیجه کمک ریاض به گروه‌های تروریستی است که تاکنون قریب به ۴۰۰ هزار کشته و میلیون‌ها نفر آواره برجای گذاشته است. جنگ طلبی آل سعود در سوریه، این کشور را به عرصه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است.</p>
پاکستان	<p>حمایت‌های مستقیم عربستان سعودی از تروریست‌های وهابی پاکستان موجب کشته شدن یک هزار نفر شیعه در این کشور گردیده است.</p>
افغانستان	<p>بیش از ۷۰۰۰۰ افغان در سال‌های اخیر قربانی تحركات تروریستی گروه‌های وابسته به عربستان شده‌اند. البته این آمار جدای از قربانیانی است که در نتیجه سیاست‌های مداخله‌جویانه کاخ سفید(متحد آل سعود)، در ۱۵ سال گذشته جان خود را از دست داده‌اند.</p>
ترکیه	<p>عملیات تروریستی گروه‌های وهابی وابسته به عربستان، در سال‌های اخیر صدها کشته بر جای گذاشته است. عمده این عملیات‌های تروریستی از سوی داعش صورت گرفته و ریاض از این اهرم برای فشار به آنکارا جهت نزدیک نگه‌داشتن آنکارا به خود در جریان جنگ سوریه استفاده می‌کند.</p>
لیبی	<p>پس از سقوط دیکتاتور قذافی در لیبی، جنگ داخلی در این کشور هزاران کشته برجا گذاشته و گروهک تروریستی داعش با استفاده از خلأ قدرت در این کشور پیشروی کرده است.</p>
نیجریه	<p>در کشورهای آفریقایی از جمله نیجریه، فقط در سال ۲۰۱۴ قریب به ۵۰۰۰ نفر جان خود را به دلیل فعالیت‌های تروریستی از دست داده‌اند. بخش بزرگی از این فعالیت‌ها از سوی آل سعود تأمین مالی می‌شوند.</p>
ایران	<p>بسیاری از گروهک‌های تروریستی در مرزهای ایران به طور مستقیم با کمک‌های آل سعود برای ناامن کردن جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کنند. هرچند فعالیت این گروه‌ها آن‌گونه که عربستان انتظار داشته موفقیت‌آمیز نبوده، اما هزینه‌هایی از جمله شهادت چند تن از مرزبانان را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است.</p>
آمریکا	<p>در جریان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، بسیاری از افراد از ملیت‌های مختلف</p>

جان خود را از دست دادند. پس از ۱۵ سال پنهان کاری در سال ۲۰۱۶ کاخ سفید با تصویب قانون جاستا، رسماً از نقش دولت عربستان در این حملات پرده برداری کرد.	
---	--

جدول شماره ۱: برخی از مهم‌ترین اقدامات تروریستی عربستان سعودی در مناطق مختلف / تنظیم: نگارندگان با تلخیص از جام‌جم (۱۳۹۵)

### «جاستا»، تأیید تروریسم وهابی عربستان

قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم (جاستا)، در سال ۲۰۱۶ پس از ۱۵ سال از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، توسط اکثریت مجلس نمایندگان و سنای آمریکا به تصویب رسید و تلاش‌های اوپاما، رئیس‌جمهور وقت این کشور جهت وتوی این قانون بی‌فایده بود. در جلسه تصویب این قانون ۹۷ نفر از سناتورها در برابر تنها یک سناتور به ابطال وتوی اوپاما رای دادند. این رای قاطع نشان‌دهنده اجماع سناتورهای دو جناح علیه عربستان است. پس از آن مجلس نمایندگان آمریکا نیز با کسب بیش از دو سوم آرا توانست وتوی باراک اوپاما را باطل کند. در مجلس نمایندگان آمریکا نیز ۳۳۸ نماینده در برابر ۷۴ نماینده به ابطال وتوی اوپاما رای دادند. این قانون بعد از گزارش محرمانه ۲۸ صفحه‌ای مجلس نمایندگان آمریکا که در آن به ارتباط شاهزاده‌های سعودی با هواپیماربایان ۱۱ سپتامبر می‌پرداخت، تهیه شده بود. در حادثه ۱۱ سپتامبر، ۱۵ نفر از ۱۹ نفر تروریست، شهروندان عربستان بودند که بر اساس تحقیقات صورت گرفته ارتباط نزدیکی با مقامات عربستان داشتند.

بر اساس این قانون خانواده قربانیان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر اجازه شکایت علیه عربستان را پیدا کردند و دارایی‌های عربستان در اختیار قضات آمریکایی قرار گرفته است. بلافاصله بعد از تصویب این قانون خانواده یکی از قربانیان این حادثه از دولت عربستان شکایت کرد و اولین دادخواست از ریاض در آمریکا بابت نقش‌آفرینی در حادثه ۱۱ سپتامبر به ثبت رسید. تأیید «جاستا» از سوی یکی از مهم‌ترین هم‌پیمانان استراتژیک عربستان، نشان از سطح بالای حمایت عربستان از گروه‌های تروریستی دارد. در واقع «جاستا»، مهر تأییدی بر اقدامات تروریستی نشأت گرفته از آموزه‌های وهابیت، مبنی بر جهاد عملی از سوی عربستان بوده است. تصویب این قانون از سوی ایالات متحده آمریکا، تنگناهای جدی را در

سیاست خارجی عربستان سعودی ایجاد کرده است. این قانون از یک سو، وجه تروریست‌پروری عربستان سعودی را بیش از پیش نمایان می‌سازد و هزینه‌های اعتباری سنگینی را بر عربستان تحمیل کرده است و از دیگر سو موجب شده، سطح تعاملات دیگر واحدهای موجود در نظام بین‌الملل با این کشور کاهش یافته و اقدامات تنبیهی نیز از سوی سازمان‌های بین‌المللی متوجه این کشور شود.

### **تعارضات ایدئولوژیکی و فرهنگی وهابیت سعودی با گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره)**

از آنجایی که عربستان، هویت ملی خود را بر مبنای مفاهیم مذهبی با منشأ وهابیت تعریف می‌کند، بنابراین اختلافات مذهبی را می‌توان به عنوان عنصری مهم در روابط با ایران مورد ملاحظه قرار داد. زمانی که گروه‌های وهابی در عربستان به قدرت رسیدند پایه‌های تضاد ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی نوینی را با ایران بنا نهادند. چنین تضادهایی را می‌توان در دوران حکومت رضا شاه، محمد رضا شاه و جمهوری اسلامی ایران مورد ملاحظه قرار داد. محور اصلی ایدئولوژی وهابیت مبارزه با اصول و مفروضه‌های اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) در ایران و سایر کشورهای منطقه است. اگر چه «گراهام فولر» بر این اعتقاد است که: «شیعیان منطقه به عنوان مسلمانان فراموش شده جهان عرب محسوب می‌شوند»، اما ایران و عربستان تلاش دارند تا نقش سیاسی آنان را تحت تأثیر قرار دهند. عربستان چنین اقدامی را بر اساس عصبیت عرب، قبیله‌گرایی منطقه‌ای و نشانه‌های هویتی متمایزکننده خود با ایران انجام می‌دهد. عربستان چنین شاخصه‌هایی را در روابط امنیتی خود به کار می‌گیرد؛ همانند موضوع عراق. زمانی که «نوری المالکی»، نخست وزیر عراق گردید، مقامات عربستان بر اساس شاخص‌های ایدئولوژیک خود هیچ‌گونه تمایلی به پذیرش دولت شیعی در عراق نشان ندادند(صفاری انارکی، ۱۳۹۴: ۶۶). بر اساس رویکرد مذهبی و ایدئولوژیک مقامات عربستان، موضوعاتی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر در مقایسه با مقوله‌ای به نام هویت عربی هیچ‌گونه جایگاهی ندارد. بنابراین عربستان سعودی هر گونه تحول سیاسی در عراق را بر اساس هویت عربی و مذهب سنی سلفی تحلیل می‌نماید که سبب رقابت ایران و عربستان در عراق نیز گردیده است.

علاوه بر مؤلفه‌های یاد شده، می‌توان نقش مذهبی عربستان را به عنوان پاسدار اماکن مقدس اسلامی در زمره موضوعات دیگری دانست که تضادهای ایدئولوژیک با ایران را تشدید می‌کند. زمانی که جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی در ایران تأسیس شد، مقامات عربستان احساس نگرانی بیشتری نسبت به آینده امنیت منطقه و هویت ایدئولوژیک خود داشتند. به همین دلیل است که پذیرش ایدئولوژی و نظام مذهبی در ایران، زمینه‌های تشدید رویارویی‌های سیاسی و امنیتی را با ایران فراهم کرد. انعکاس چنین نشانه‌هایی را می‌توان در نقش عربستان برای سازماندهی نهادهای مذهبی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار داد. نهادهایی که ایدئولوژی مذهبی و رویکردهای سیاسی را با یکدیگر پیوند داده‌اند، زمینه‌های لازم برای مقابله با مدل مذهبی ایران بر گرفته از گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) را، در دستور کار قرار دادند. به این ترتیب، فضای سیاسی و ایدئولوژیک عربستان که در برابر نیروهای ناسیونالیستی عرب با انعطاف و میانه‌روی برخورد کرده بود، رویکرد آشتی‌ناپذیری را در برابر گفتمان انقلاب اسلامی ایران به نمایش گذاشت.

### **گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره)؛ گفتمانی برای صلح جهانی**

گفتمان سیاسی امام خمینی (ره)، تلاشی برای زنده کردن صلح و عدالت در محور حیات و نیز روشی برای ایفای نقش در محیط آنارشیک بین‌الملل، فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بود. به بیان دیگر، گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) گفتمانی است که حرکت و آثارش در چارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه دیدگاهی فراملی دارد. از این رو، بر روی ملت‌ها حساس است و میل به فراگیر شدن دارد. بنابراین بر جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر تأثیر گذاشته، و به آنان جرأت و جسارت مبارزه داده است. گفتمان‌ها، معمولاً در بردارنده پیام‌های خاص، الگوها، و آمال متعددی هستند که به عنوان ابزارهای بسیج توده‌ها استفاده می‌شوند. یکی از این رویاهای سیاسی که عموماً در گفتمان‌ها مطرح می‌شود، شعار صلح و هم‌زیستی با سایر واحدهای صلح‌طلب است. گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به درستی توانسته به این مدعا جامه عمل بپوشاند.

نمود عینی این ادعا را می‌توان به ترتیب در اصول پنجاه و ششم، صد و پنجاه و دوم و صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دید:

اصل پنجاه و ششم: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در اختیار فرد یا گروهی خاص قرار دهد» (منصور، ۱۳۹۵: ۴۶).

اصل صد و پنجاه و دوم: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است» (همان: ۴۶).

اصل صد و پنجاه و چهارم: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (همان: ۴۶).

با نگاهی اجمالی بر اصول بالا به سهولت می‌توان به فرازی از نگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با صلح جهانی و جایگاه آن در سیاست خارجی پی برد. جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را معطوف به استفاده از ابزارهایی در اختیارش می‌کند، تا شاید از این طریق بتواند جامعه آرمانی متشکل از کلیه کشورها و بر پایه اصول صلح‌خواهی و عدالت محوری بنا کند. این اصول را تا حدودی می‌توان برخاسته از باور شیعی این کشور مبنی بر ظهور منجی و ایجاد جامعه جهانی صلح بنیان دانست. به‌کارگیری مفروضه‌های ایدئولوژیکی مبتنی بر تفکرات دینی، استفاده از توان سایر ملل اسلامی در چارچوب سازمان‌های اسلامی برای صلح‌سازی، شرکت در کنفرانس‌های جهانی، نهادها و مواردی از این دست را نیز می‌توان به عنوان راهکارها و ابزارهای ایجاد صلح دانست. در حقیقت گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) گفتمانی است که تلاش می‌کند با ارائه هویتی اسلامی از مفروضات اصیل و به دور از بدعت اسلام به تقابل با گفتمان‌های انحرافی نظیر وهابیت عربستان برخیزد. در نهایت طرح

راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم وهابی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره)، باید اصولی را با خود به همراه داشته باشد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. براساس ویژگی‌های ذاتی نظام جمهوری اسلامی ایران، تدابیر ضد تروریستی باید ماهیتی بردبارانه، توأم با رأفت اسلامی و بلندمدت داشته باشد و با تفکیک مردم عادی یا حتی حامیان ضمنی(افکار عمومی همراه) تروریست‌ها از اعضای شبکه‌های تروریستی، همراه باشد.

۲. تدابیر ضد تروریسم تلاش خواهد کرد به طور کلی، عموم شهروندان را از توسل به زور، خشونت، افراطی‌گری و گرایش به تروریسم منصرف سازد(مشروعیت زدایی از تروریسم). بدیهی است تحقق این مهم، منوط به درک عمیق رفتار تروریستی است.

۳. سوگیری اصلی طرح راهبردی، کاهش فرصت برای ادامه اقدامات تروریستی است که با از میان بردن منابع و ابزارهای شبکه‌های تروریستی از یک سو و فرهنگ‌سازی و ایجاد اجماع عمومی علیه تروریسم از سوی دیگر، پیگیری می‌شود.

۴. تمرکز سیاست‌ها بر گروه‌های تروریستی و حذف ریشه‌ها، منابع تغذیه، نیروی انسانی، منابع مالی، ارتباطی و لجستیکی و حمایت‌های عمومی از گروه‌های تروریست و تضعیف هویت و ایدئولوژی آنها.

۵. توجه یکسان به وظایف نهادهای حاکمیتی، مدنی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، نخبگان رسمی و غیررسمی، حوزه‌های علمیه و عموم مردم و تقسیم کار میان آنها(بر مبنای تفکر ماتریسی) برای مقابله با تروریسم.

۶. بهره‌گیری از راهبردهای سخت و نرم و تلفیق هوشمندانه توانایی‌های موجود با هدف یکپارچه و همگرا کردن منابع قدرت نظام.

۷. توجه ویژه به ریشه‌های قومی و مذهبی تروریسم و متمایل کردن گرایش‌های افراطی به اعتدال‌گرایی.

۸. لزوم استفاده از تمام ظرفیت‌ها و منابع بومی و سنتی برای کاهش سرچشمه‌های تروریسم.

۹. مهندسی اجتماعی و نوسازی سازمان اجتماعی برای حذف ساختارهای تولیدکننده خشونت.

۱۰. مبارزه با تروریسم مبارزه‌ای بلندمدت و مستمر است؛ بنابراین تغییر ادبیات ضد تروریسم در محافل و مراجع رسمی و افکار عمومی و تلقی از آن به عنوان «مقابله‌ای طولانی مدت» ضروری است.

۱۱. سیاست‌های ضد تروریستی باید در سطح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی تدوین شوند(حاجیانی، ۱۳۹۳: ۳۱).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پردازش فرضیه در این تحقیق نشان می‌دهد، رشد و تکثیر گروه‌های تروریستی از جمله داعش از چند سال گذشته تاکنون در خاورمیانه نمودی تازه از مسائل امنیتی در این منطقه و فراتر از آن را آشکار کرده است. امروزه گروه‌های رادیکال مختلفی در جهان و خصوصاً در خاورمیانه فعال هستند. بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، این گروه انشعابات زیادی پیدا کرد؛ بخشی از آنان در پاکستان قد علم کردند و بخشی در سوریه، عراق و حتی آفریقا. در این میان سوریه و گروه‌های رادیکال فعال، توجهات زیادی را از سراسر جهان به خود جلب کرده‌اند. جبهه‌النصره که از زیرشاخه‌های القاعده محسوب می‌شود، یکی از این گروه‌هاست که خود در سوریه به چند شاخه تقسیم شده و آثار امنیتی فراوانی را بر جای گذاشته است. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که همگی این گروه‌ها به نحوی به اندیشه‌های وهابیت وابسته بوده و اساس اندیشه خود را از آرا ابن تیمیه وام گرفته‌اند.

ما در این پژوهش از اندیشه وهابیت به مثابه یک گفتمان یاد کردیم و برای آن دال‌هایی نیز در نظر گرفتیم. گفتمان وهابیت عربستان سعودی با در بر گرفتن دال‌هایی نظیر: رد عقل‌گرایی، اقتدارگرایی، تعصب و غیره و همچنین پیوند این دال‌ها با دال مرکزی یعنی جهاد عملی، به عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان تروریسم محسوب می‌شود و در پی آن، این گفتمان با مفروضات امنیت‌ستیزانه خویش، آثار سوء امنیتی متعددی را در سراسر جهان بر جای گذاشته است. حمایت‌های عربستان وهابی از عملیات‌های تروریستی در بحرین، مصر، لیبی، یمن، سوریه و سایر نقاط، مصادیقی از اقدامات امنیت‌ستیزانه این کشور بوده است. تصویب قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم(جاستا) در ایالات متحده نیز از جمله



اسنادی است که می‌توان آن را به عنوان مهر تأییدی بر امنیت‌ستیزی عربستان سعودی ارزیابی کرد.

در مقابل گفتمان وهابیت، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) مطرح گردید. این گفتمان با در برگیری دال‌هایی همچون: عدالت محوری، حقوق بشر، استکبارستیزی، حمایت از مظلوم و مواردی از این قبیل و با ارائه الگوهای صلح‌جویانه به پیروان خود توانسته گام‌های بزرگی را در راستای تثبیت نظم بین‌المللی بردارد. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) توانست عدالت را در مدار شریعت قرار داده و از این هم‌پیوندی در راستای تأمین امنیت جهانی بهره ببرد. حضور جمهوری اسلامی در مناطق بحران‌زده سوریه و عراق و مبارزه با عناصر تروریستی مورد حمایت عربستان سعودی، حضور فعال و همکاری مستمر با نهادهای صلح‌طلب جهانی و مواردی از این دست، همگی در راستای حمایت این کشور از امنیت بین‌الملل، حفظ ثبات و نظم جهانی ارزیابی می‌گردد.

### منابع

- اختیاری امیری، رضا(۱۳۹۴). «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، فصل‌نامه اندیشه سیاسی در اسلام، ش ۶.
- اسد علی‌زاده، اکبر(۱۳۸۴). چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اسماعیلی، حمیدرضا(۱۳۸۶). «بازشناسی اندیشه سیاسی القاعده»، فصل‌نامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۸، ش ۳۱.
- امام خمینی، روح‌الله(۱۳۸۷). صحیفه امام، جلد‌های ۱۵، ۱۳، ۱۹، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
- بهروز لک، غلامرضا(۱۳۸۵). «اسلام سیاسی و جهانی شدن»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، س ۸، ش ۱۳.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر(۱۳۸۷). «تحرك‌های طالبان و تأثیر آن در روابط پاکستان، افغانستان و آمریکا»، مطالعات اورآسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، س ۲، ش ۳.
- حاجیانی، ابراهیم و عبدالحسین ضمیری(۱۳۸۹). پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، تهران: مؤسسه نشر کمیل.
- حاجیانی، ابراهیم و محسن کریمی شیرودی(۱۳۹۳). «راهبردهای ضد تروریسم در ایران: رویکرد فرهنگی»، فصل‌نامه آفاق امنیت، س ۷، ش ۲۳.
- حق‌شناس کمیاب، سید علی(۱۳۸۹). «ساختار سیاسی- اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی»، قابل دسترس در:  
<http://www.payam-aftab.com/fa/doc/article/11242/2016.5.6>
- رجاء، علی اصغر(۱۳۸۷). «جنبش‌های اسلامی و مقایسه آن با حرکت طالبانسم»، فصل‌نامه طلوع، ش ۸۹.
- رضاخواه، علی‌رضا(سی‌ام دی‌ماه ۱۳۹۲). «اعترافات شورشیان داعش به ارتباط مستقیم با ریاض»، روزنامه خراسان، ش ۱۸۶۰۳.
- جام سیاست(بیست و هفتم مهر ۱۳۹۵). روزنامه جام جم، ش ۱۹.
- ساعی، احمد و مهدی علیخانی(۱۳۹۲). «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تاکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فصل‌نامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۲۲.
- سبحانی، جعفر(۱۳۶۶). آیین وهابیت، قم: نشر دار القرآن الکریم.

- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- سعید نسب، سید هاشم (۱۳۸۹). «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، جامعه المصطفی العالمیه قم. ش ۵.
- شفیعی، حسن و مهدی مهرور (۱۳۹۱). «جهانی شدن و گسترش شبکه‌های بنیادگرایی سلفی»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۹.
- صائب، عبدالمجید (۱۳۸۵). چهره واقعی وهابیت، ترجمه حبیب روحانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفاری انارکی، محمد (۱۳۹۴). «عوامل سبب‌ساز واگرایی در روابط ایران و عربستان؛ با تأکید بر حادثه منا»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، ش ۱.
- عمادی، سینا (۱۳۹۴). «گروه‌های تندرو و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، فصل‌نامه سیاسی اقتصادی، ش ۳۰۲.
- غفاری هاشجین، زاهد و قدسی عزیزاده (۱۳۹۰). «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)»، دو فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی، س ۱، ش ۱.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۳). «نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی(ره)»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۶.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰). صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران: انتشارات فرهنگی نشر نو.
- قلخان‌باز، خلیل (۱۳۹۲). «عربستان به کدام سو می‌رود؟»، مجله سیاسی - راهبردی بصائر، س ۳۰، ش ۳۳۷.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴). «نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی؛ بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام»، ماهنامه پژوهش ملی، دور اول، ش ۲.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون مدنی، چاپ پنجاه و سوم، تهران: انتشارات دیدار.
- منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه مجلس و راهبرد، س ۱۹، ش ۷۲.
- ناظمی قره‌باغ، مهدی (۱۳۹۰). وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- Allen, John R, Quilliam, Neil (2014-15). “The Fight Against ISIS: Reviewing Us strategy”, Chatham house, the royal institute of international affairs.
- Al-Rasheed, Madawi (2002). *A History of Saudi Arabia*, London : Cambridge University Press.
- Atran, Scott (Spring 2006). “The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism”, *The Washington Quarterly*.
- Giusto, Hedwing (2016). *Daesh and the terrorist threat: from the Middle East to Europe*, FEPS-Foundation for Earoupean Progressive studies.
- Knowlth, Tom (2008). “Zawaheri-not Binladan- is the Toptarget”, at:  
<http://www.Sullivan.country.com/z/sfit.htm>.
- Qadhi, Yasir(2014). *on salafi Islam*, Salafi publishing houses.
- Wendt, Alexander (1992). “Anarchy is what States make of It: The Social Construction of Power Politics”, *International Organization*, Vol. 46, No. 2.
- Wendt, Alexander (1995), “Constructing International Politics”, *International Security*, Vol. 20, No. 1.
- Wynbrandt, James (2004). *Abrief History of Saudi Arabia*, New Yourk: Checkmark Books